

1
2
3
4
5
6
7
8
9
10
11
12
13
14
15
16
17
18
19
20
21
22
23
24
25
26
27
28
29

۱- دستور زبان (نهاد، فعل، مفعول، متمم، ...)

۲- آرایه های اربی (تضاد، مترادفات، ...)

۳- نکته های املائی (م آوایی، ...)

۴- نگارشی: ! ، ، ؟ : « [] ()

۵- اصطلاحات اربی (قافیه، ردیف، ...)

۶- قالب شعری (سئوی، قطعه، ...)

۷- معنی لغت و معنی شعر یا جمله

۸- تاریخ ادبیات

ادبیات فارسی

۱- آرایه های تضاد (مخالف، تضاد، متضاد) چیست؟

فرجه و ارتقایی بیانند که عکس یکدیگر یا مخالف هم باشند.

نمونه های برای آرایه تضاد:

جهان جمله فروغ نور حق دان / حق اندر وی نورانی است ^{تضاد ≠} ^{نشان}

ارزاقیت خود را عیبی ام ده / باز تو خود را آشنایی ام ده ^{تضاد ≠} ^{روشنایی}

در او هر چه یافتند از کرم و بیخ ^{تضاد ≠} / ز سنائی داده اند از دیوی خوش

Subject:

Year. Month. Date. ()

۲- آرایه‌ی مراعات‌تفید یا تناسب چیست؟

هرگاه در کلامی بیانیه که از یک مجموعه باشند.

* مراعات‌تفید یا تناسب می‌تواند از دو واژه باشد.

مثال‌هایی برای آرایه‌ی مراعات‌تفید:

مراعات‌تفید / مراعات‌تفید
هرگز و دیگری که هست یا از خدای بند / بلیل و زمزمی چه خواند! یاد خدای تو کار

ارغوان، خام بلقیعی به سحر / خواهد داد / زهر زهرس به استغاثی نکلان خواهد شد

مراعات‌تفید / مراعات‌تفید
به نام آن که جان را قدرت آموخت / بخراغ دل به نور جان به افروخت

* این دو معنی آرایه‌ی تضاد داشته‌اند. با این آرایه‌ی مراعات‌تفید هم داریم معنی هر

تضادی و مراعات‌تفید هم دارد اما هر دو معنای آن آرایه‌ی تضاد ندارد.

تضاد + مراعات‌تفید
مانند: روزها فکر من این است و همه شب می‌فکرم

مراعات‌تفید / مراعات‌تفید
مهر خورشید / آرزوی / مهر خورشید / آرزوی / مهر خورشید / آرزوی

۳- آرایه‌ی سجع (شعیت مخفی، جان مخفی به اشیا و شخص نیست، آدم غایب، آدم غایب)

استعاره (مانند) چیست؟ هرگاه صفات یا رفتار انسانی را به جان پنداریم یا اشیا نسبت دهیم.

Subject:

Year. Month. Date. ()

انواع آرایه‌ی شخص نهادواردم

1- هرگاه صفات و رفتار انسانی در جمله‌ای به فرانسج نسبت داده شود.	2- هرگاه عضو یا صفت با رفتار انسانی + + غیر انسانی	3- هرگاه ای به سر غیر انسان بیاید
مانند:	مانند:	مانند:
هر قول و خبری به حسرت یا دروغا	مانند:	ای تن رخ از سیمه خنیا مینش
می‌زند	دامن بیعت و غیر انسانی	حرف ترا نهادای غیر انسان
شخص	صفت انسانی	تن: شخص
زنارون بنالدول مثل و نونه	دل و صب غیر انسانی	ای وطن جاودان با منی
شخص	عقول انسان	حرف ترا نهادای غیر انسانی
شخص	شخص	وطن: شخص
هر کلمه و صفتی که بر وقت دارد		
شخص		

نکته‌های املائی (هوش کلای)

اصوات گان مترادف یا هم‌معنی چیست؟

واژگانی که از نظر معنی یکسان اند، اما نوشتن (ملا - خط) و خواندن (تلفظ) آنان فرق دارند

مانند:

سیر = سیرار زینا = زینت، حلال، حلال = بزنی و عفت، عظیم

Subject:

Year. Month. Date. ()

۲- وارثان بتعداد چیست؟ وارثانی که فدر هم باشند.

مانند:

سیر + فرزند زینب + زینب سیر + جوان

۳- وارثان تنا سب چیست؟ وارثانی که از یک مجموعه باشند.

مانند: (سیر و بیاض) (لیل و صبری)

۴- وارثان تفریق یا مبروئی چیست؟ رابطه‌ی بین دو وارث که یکی از وارثه‌ها معنی

دفعی را از سب می‌گیرد. یعنی رابطه‌ی غیر وکل باشند.

مانند: (سیر و بیاض) (عاقه و سباع) (فرزند و صبری) (علوم و دانش)

۵- وارثان مختلف یا کوتاه شریعت؟ وارثانی که به دلیل عذر و اشکال شریعت

کوتاه می‌شوند.

مانند: مور - مورم سه - سهه فتنه - افتد افتاد - افتاد

۶- وارثان دولت‌قنی دارند و هر دو صحیح است.

مانند: آیمان و ایمان روزگار و روزگار باغبان و باغبان

آشکار و آشکار برودگار و برودگار بادگار و بادگار

میرفتی و میرفتی برودگار و برودگار

* واژگان، بدلتغی، آوردن شور، بیابید فقط یک نقل درست است به دلیل حذف سینه

سینه

نقل آنها درست است.



* واژه‌ای اثر به دو معنی تبدیل می‌شود

۱- آرایه سینه چیست؟

مانند کردن کسی یا چیزی به کسی یا چیزی دیگر را سینه می‌گویند.

اجزا (پایه برکن، سینه، مخفی)

در آرایه سینه

اجزای فرعی سینه

اجزای اصلی سینه

سینه سینه و سینه به معنی رکن اول دردم

سینه گویند که قابل حذف هستند.

سینه گویند که قابل حذف نیستند.

رکن سوم (وجه سینه) | رکن چهارم (ادات سینه)

رکن دوم (سینه به) | رکن اول (سینه)

پدیده‌ای است که در پدیده‌های است که سینه را به پدیده‌ای دیگر مانند آن مانند می‌کنیم. واژه‌ای که آن را برای سباحت میان دو پدیده می‌آوریم.

* بهترین ادات سینه در فارسی کدامند؟

هر واژه‌ای که معنی مثل و مانند بعد ادات سینه است. مانند: به کردار - به سان - به سوسان - به شوهی به منزله‌ای - به بونمی - به شکل - نظیر - سینه - مثل - عین - در - وار - مانند - مانند - گوی



Subject:

Year. Month. Date. ()

حرف و صواب (این دو واژه معانی مختلفی دارند بنانی که در علمه ای معنی نقل و مانند بعد

ادوات تشبیه هستند

۱- تشبیه مستتره صریحه که چهارمین پایه و یا سومین پایه یعنی با
 وجه تشبیه محذوف باشد یا ادوات تشبیه محذوف باشد
 مثال برای تشبیه مستتره:
 مستتره صریح: شقایق سرخ است. تشبیه مستتره (فراوان است)
 مستتره صریح: اوان شبیه به ابرج است
 لاف از سخن جوهری توان روز تشبیه مستتره - [از نهند]
 مستتره صریح: اوان شبیه به
 با تشبیه سخن به لطف آن است - تشبیه مستتره: ادوات محذوف است
 مستتره صریح: زخم زخم تشبیه به

انواع آرایه های تشبیه آرایه اخذ ناری در اوزن

تشبیه مستتره که در کتب اهل بی بی مشتمل بر تشبیه مستتره در اوزن
 انواع تشبیه مستتره
 ۱- بلیغ افغانی یا همان افغان تشبیه
 [تشبیه به + - تشبیه]
 مثال بلیغ افغانی تشبیه:
 لعلها کی سعادت تشبیه به
 ۲- تشبیه مستتره بلیغ
 [تشبیه + تشبیه به + فعل استعاره]
 مثال برای تشبیه استعاره:
 سعادت لعلها است.
 تشبیه مستتره تشبیه به نقل استعاره
 تشبیه استعاره

Subject:

Year. Month. Date. ()

* افعال مضارع شبیهی را جلوه سید را بنویس

- ۱- ترکیب اضافی است یعنی: اسم + بر + اسم باشد.
 ۲- واژه‌ی روی به واژه‌ی آوی مانده شود.

مثال عالی برای افعال شبیهی:

✓ نور جان اسم اسم	✓ نغمه‌های شادمانی اسم اسم	✓ نغمه‌های عشق اسم اسم	✓ چراغ دل اسم اسم
✓ دروغ علم اسم اسم	✓ عوارض غفلت اسم اسم	✗ دست بوزنار اسم اسم	✗ قد بلند اسم صفت
✗ خواب گلابی اسم صفت	✓ چراغ هدایت اسم اسم	✓ سین و حودا اسم اسم	✓ طلای و حودا اسم اسم
✓ باران رحمت اسم اسم	✓ دریای خرد اسم اسم	✓ صنم و معرفت اسم اسم	✓ میوه فروش و فنر اسم اسم
✓ شیرینی خیال اسم اسم	✓ دروغ روی اسم اسم	✓ نهال دشمنی اسم اسم	✓ تاج رحمت اسم اسم
✗ نقاب دوستی اسم اسم	✓ صفحه‌ی هستی اسم اسم	✓ آتش دشمنی اسم اسم	✓ نیلان لب اسم اسم

Subject:

جلسه چهارم ادبیات تعلیمی (نیمه ۲۹، ۱۰، ۱۴۰۱)

Year. Month. Date. ()

ادامه‌ی آرایه‌های ادبی

۱- آرایه‌ی تکرار یا دایره‌ی آرایه چیست؟

هرگاه نویسنده بخواهد بر چیزی تأکید کند آن واژه را تکراری کند این کار تکرار می‌گویند

مثال‌هایی برای آرایه‌ی تکرار:

آرایه‌ی تکرار

خداوند را به فریاد دلم رس / کس بی کس توئی من مانده بی کس

دلم بی خواهر تمام تمام این قلب کوچولو کوچولو را که مثل یک خانه‌ی مستی کوچولو است را به کسی بگویم که

خیلی خیلی دوست دارم - تکرار (تمام - کوچولو - خیلی)

من هستی من ز هستی اوست / تا چشم هست دارمش دوست

- تکرار (هست)

نکته‌ی کلیبی (میزبان) - در شعر را نباید آرایه‌ی تکرار بزنند. مانند:

ای همه هستی ز تو پیدا شدی / خاک صنیف از تو لولوا شده

تفاوت

(شعر) در صنف است تکرار نمی‌باشد

۲- آرایه‌ی اغراق (مبالغه - علم) چیست؟

اغراق یعنی صفت کسین کمان است و در اصطلاح ادبیات آرایه‌ی اغراق یعنی شاعر یا نویسنده،

بزرگنمایی در توصیف مجسمه یا رودبار داشته باشد

Subject:

Year. Month. Date. ()

* مثال جایی برای آرایه ی اغراق یا مبالغه :

ز سعم ستوران در آن بهن دست / زمین شد شش و آسمان کشت سمست
از پشت پای میوان بچار بیان

اغراق (بی قیغه از زمین کم شدن و آسمان افتادن است)

مرفوسه و جوسیه و بر این خاک / ز موش زمین شده خاک چال

که در جوش و خروش است مبالغه شده

* نکته ی تکمیلی (تیز هوشانی) : گاهی آمیز عدد ۱۰۰۰ هزار و ۱۰۰ صد تسانی می بینیم

است و باعث ساخته شدن آرایه مبالغه می شود

مانند: هزار غم نرفتم

هزار بار نفتم اول درس
که آرایه ی مبالغه

دلم نرفتم از این روزها دلمت است / میان ما و حسین هزار فرسند است

* نکته ی تکمیلی (تیز هوشانی) : آمیز عدد و هزار همیشه تسانی مبالغه نیست گاهی منظور خود

این عبارات است که در آن موقع اغراق ندارد.

مانند: هزار نفر از راه رسیدند که من نفرشان زخمی شده بودند.

خود عدد منظور است و مبالغه ندارد
خود عدد منظور است و مبالغه ندارد

Subject:

Year. Month. Date. ()

۷- آرایه کنایه چیست؟ کنایه در لغت به معنی پوشیده شدن شئی است و در اصطلاح ادبی هرگاه

عبارتی بیاید که معنی دور و نزدیک داشته باشد که معنی فاعلی آن مورد نظر نیست مقصود گوینده

در کنایه معنی دور جمله است.

مثال های برای آرایه کنایه:

معنی دور: کنایه از کار بهره گرفته کردن.
آب در حوض کوبیدن }
معنی نزدیک: آب را داخل حوض بریزیم و بگوئیم.

معنی دور: کنایه از همچنان توار بودن
در خانه کسی نماند }
معنی نزدیک: در خانه کسی باز نماند

معنی دور: کنایه از چیه بودن
دهان کسی بوی سیر دادن }
معنی نزدیک: دهان کسی بوی سیر بدود.

مثال های دیگر برای آرایه کنایه:
بکلیل بودن = کنایه از موافق و همی بودن

یکی بوی پیرافتن بسته پاره کردن = کنایه از باخیزه بودن

دم به تله نماندن = کنایه از تله نیفتادن
در پوستین خلاق افتادن = کنایه از عینت کردن

یا علی نقی = کنایه از آماره شدن برای انجام کاری
تکلیف زنی روشن بودن = کنایه از شخص شدن و شفقت



Subject:

Year. Month. Date. ()

۸- آرایه‌ی منافره (سوال و جواب - نقلی - پرسش و پاسخ - ابراهیم) چیست؟

گاهی در شعر یا نثر، با تمهید های انسانی و یا غیر انسانی به صورت پرسش و پاسخ و یا بحث و مجادله به گفت و گویی پردازند به این کار **منافره** می‌گویند.

* اولین گویی که منافره را ابرام کرد **اسری توسی** است.

* معروف ترین منافره ها در ابیات از **خاتمِ مودین** اعتصامی است.

* مثالهایی برای آرایه منافره:

به راهی در سلیمان در دوری که ...

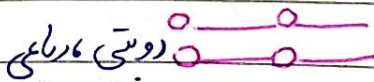
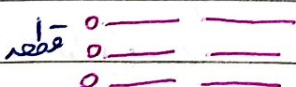
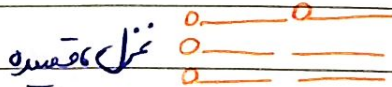
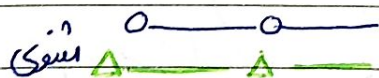
کمال شعر منافره بن حضرت سلیمان و نوره

بر سر از آن خیار که تو ...

منافره بن خیار و کوه بن

غنیه بابل گرفته گفت: ...

در این شعر منافره بن غنیه و گل



Subject:

Year. Month. Date. ()

ارابهی تکتہ های هوش کلای (تکتہ های المای)

انواع واژگان

انواع واژگان	واژگان هم آوازه یا هم آوازه نوشتاری	واژگان هم نوشتاری یا هم شکل	واژگانی هم آوازه یا هم نوشتاری
واژگانی که صدا (تلفظ - غواظ) و معانی (و املا) آن هایل باشد اما نوشتن (املا) یکی باشد اما تلفظ (خوانش - صدا) (خط - نوشتن) یکی نباشد و فقط معنی فرق	واژگانی که نوشتن (املا - خط) یکی باشد اما تلفظ (خوانش - صدا) (خط - نوشتن) یکی نباشد و فقط معنی فرق دارد.	واژگانی که نوشتن (املا - خط) یکی باشد اما تلفظ (خوانش - صدا) (خط - نوشتن) یکی نباشد و فقط معنی فرق دارد.	واژگانی که صدا (تلفظ - غواظ) و معانی (و املا) آن هایل باشد اما نوشتن (املا) یکی باشد اما تلفظ (خوانش - صدا) (خط - نوشتن) یکی نباشد و فقط معنی فرق دارد.
مانند:	مانند:	مانند:	مانند:
ارز - واحد پول خارجی	ره - عمده	سینه - حصان	سینه - حصان
عرق - پها	ره - روستا	سینه - سینه آب	سینه - سینه آب
ارض - زمین		سینه - سینه فوایدی	سینه - سینه فوایدی



نکته: نیز بررسی ترکیبی ۱ - اگر در اژدها ن مختلف به همراه شکل کامل خود
 (مثل: زیبا از / ره باره - که باگاه و ...) بر شعر اثر بسیار جدی می خورد
 چون واژگانی جناسی بودند که معنی آنها تغییر کند و اژدها و مختلف فقط به خاطر
 وزن شعر کوتاه شده اند مثل =

هیچ انزوا است بر راه کج
 دانه و نر کس جناس نیستند

نکته: برای دستور زبان (دانش زبانی)
 متبذ جمله را (صوات) چیست با واژگانی که به تنهایی معنوی مانند
 مفهوم جمله را می رسانند اما مانند جمله دارای اجزای کاملی نیستند
 یعنی مانند جمله دارای نهاد گزاره نیستند و نمی توان برای هیچ یک از
 انواع سبب جمله ها نهاد گزاره تعیین کرد.
 خوشا همان اوخ در بغا ای دوست به صدیا - حافظا و زینهار و زینهار

نوع سبب جمله در فکس داریم: ازواج سبب جمله - نهاد نهادا: مانند:

ای خراب نهادا - یارب	ای وطن ^{شبه نهاد}	حافظا ^{شبه صند} نهادا
ماتیدا نهادا	خرفنا نهادا	نهادا

۲ گروهی از واژگان برای بیان حالات روحی و (رونی) خون شادی
 تعجب - شگفتی - ... به کاری روند.
 مانند: برای تشبیه (گاه) - همان مباردا - زینهار - زینهار و ...
 برای تعجب و شگفتی - او ه ه ه ه ه عجب آ آ آ آ آ خ ه افسوس و ای
 آو خ ه افسوس آ ای آ های ه بغا ه در بغ ه صیف و

برای امری بریا، برجا، ساکت، آرام، خاموش، بسم الله است

برای احترام، حسیم، سلام، درو، خدا حافظ، بدرو، لب بخیر، صبح بخیر

برای جواب و تضرع، آری، البته، بدو

برای تحسین، آفرین، مرحبا، خوشا، به به

برای آرزو، ای کاش، اللهم و

۴- گروهی از شبه جمله های اصوات و از زبان عربی وارد زبان ما (فارسی) شده است مانند:

این شاء، السبحه شبه جمله

آرزو (مفرد) ← بخراهر (فعل) ← خراوند (اسم)

ما شاء الله ← بجز جمله

آفرین بر تو ← خراوند

۴- گروهی از سببه جمله های اصوات برای دانستن (داد کردن) و خواندن (صد از زن) اصوات به کار می رود.
مانند: نیش، پیسته، چینه و ...

راه پیدا کردن تعداد جمله در زبان معاصر

- ✓ تعداد فعل تعالی حاضر در جمله برای شماریم
- ✓ فعل های محذوف و حذف شده یک جمله به حساب می رود
- ✓ حرکت از انواع سببه جمله ها (ندو ما دا و ...) را یک جمله به انیم
- ✓ مصدرها اسم هستند و در شمارش جمله شماریم
- ✓ مفعول محقق یک جمله است

شماره برای تعداد جمله = مردن سبز خرگوش را کجای بری با منخ داو

جمله ۱ مردن سبز خرگوش را کجای بری فعل
جمله ۲ با منخ داو مفعول
جمله ۳ مردن سبز خرگوش را کجای بری فعل
جمله ۴ با منخ داو مفعول

به نام آنکه جان را فکرت آموخت
صراحت دل به نوجوان برافروخت

جمله ۳ به نام آنکه جان را فکرت آموخت فعل
جمله ۲ صراحت دل به نوجوان برافروخت فعل

مکن دانم مکن دانم الهی تو را می تو را می تو را می تو را می تو را می تو را می

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶